

تحلیل آمایش نواحی مرزی از منظر جغرافیای سیاسی مرز مطالعه موردی: نواحی مرزی استان کردستان

یاشار ذکی^۱ - استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
کمال رنجبری - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

چکیده

آمایش نواحی مرزی در بعد امنیت و توسعه یکی از راهبردهای هر کشوری محسوب می‌شود. هر کشوری که اهمیت این موضوع را خوب درک کند و با توجه به پارامترهای مؤثر در نواحی مرزی بر اساس اصول کارشناسی و علمی مرزها را مدیریت کند، نتیجه آن امنیت پایدار برای کشور و توسعه در ابعاد مختلف خواهد بود. مرزها محل تولید تهدید و فرصت‌های متعددی محسوب می‌شوند. کشور ایران با عنایت به مرزهای طولانی اعم از دریایی، خشکی و رودخانه‌ای با همسایگان مختلف در این مورد یک استثنا است. یکی از مرزهای حساس و استراتژیک ایران با توجه به محل زیست قوم کُرد با گرایش‌های قومی - مذهبی متفاوت با هسته کشور و دارای عقبه جغرافیایی در کشور عراق، مرزهای استان کردستان محسوب می‌شوند. داده‌های مقاله حاضر، ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و با جمع‌آوری داده‌های میدانی و تحلیل آماری داده‌ها گردآوری شده است. در روش میدانی به‌وسیله نظرسنجی از ۳۸۴ نفر از کارشناسان و نخبگان بومی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تبیین شاخص‌های اثرگذار در تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان و سپس اولویت‌بندی شاخص‌ها پرداخته شده است. نتایج پژوهش با توجه به آزمون t با سطح اطمینان ۹۵ درصد و نتایج حاصل از پرسش‌نامه نشان می‌دهد که ترتیب اولویت اثرگذاری عوامل مؤثر بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان به ترتیب شاخص‌های سیاسی - ژئوپلیتیکی، ژئوکالچر، ژئواستراتژیکی و در نهایت شاخص ژئواکونومیکی است که هر یک از این شاخص‌ها به زیر شاخص‌های مختلفی تقسیم‌بندی و سپس اولویت‌بندی شده‌اند.

واژگان کلیدی: توسعه، نواحی مرزی، استان کردستان، آمایش نواحی مرزی، امنیت.

مقدمه

مرز به‌عنوان یک پدیده فضایی - جغرافیایی یکی از عوامل ژئوپلیتیکی مهم در مدیریت سیاسی فضا در هر کشوری در راستای توسعه و امنیت پایدار و همچنین تولید قدرت محسوب می‌شود و مدیریت بهینه و هوشمند نواحی مرزی ارتباط مستقیم با توسعه اقتصادی، اجتماعی و همچنین امنیت پایدار دارد. مرزها تولیدکننده فرصت‌ها و تهدیدهای متعدّد و متنوعی هستند و شناخت فرصت‌ها و کاهش تهدیدها مبتنی بر منافع ملی و امنیت ملی در نواحی مرزی راه رسیدن به توسعه پایدار و ایجاد پل ارتباطی بین هسته کشور و نواحی مرزی در راستای ایجاد انسجام و توازن در توسعه است. در این میان مرزهای منطقه جنوب غرب آسیا به‌طور کلی و مرزهای ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با موقعیت ژئوپلیتیکی حساس به‌طور خاص به دلیل نقش قدرت‌های استعمارگر در ترسیم جغرافیای سیاسی منطقه بدون توجه به چشم‌اندازهای قومی - فرهنگی و تاریخی دارای حساسیت بیشتری هستند و حس واگرایی در نواحی مرزی تحت تأثیر وجود مرزهای پیچیده و تودرتو در ابعاد ذهنی و عینی شدید است. در این میان جغرافیای کشور ایران در منطقه جنوب غرب آسیا دارای موقعیت استراتژیکی و ژئوپلیتیکی مهمی در معادلات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی است. ایران از لحاظ تعدّد در همسایگان با ایدئولوژی‌ها و ساختارهای سیاسی متنوع و در اغلب موارد متضاد و تعدّد در استان‌های مرزی در سطح منطقه و جهان یک استثنا است. ایران داری ۱۶ استان مرزی و مرز مشترک اعم از مرزهای خشکی، دریایی و رودخانه‌ای با ۱۵ کشور پیرامونی است؛ لذا توجه به توسعه و امنیت در نواحی مرزی تمام پارامترهای امنیت ملی و منافع ملی و همچنین تولید قدرت ملی در ایران را تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهد. یکی از مرزهای حسّاس و مهم از لحاظ امنیتی و سیاسی برای ایران مرزهای نواحی کُردنشین به‌طور اعم و به‌طور اخص مرزهای استان کردستان به‌عنوان یک استان با موقعیت استراتژیکی از منظر عینی و ذهنی است. کردها به‌عنوان بخشی مهم و تاریخی از جغرافیای تمدنی و فرهنگی ایرانی به دلیل رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر اساس منافع قدرت‌های فرا منطقه‌ای و در طول تاریخ مبتنی بر رقابت‌های عثمانی بین چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه تقسیم‌شده‌اند و حس ناسیونالیسم کُردی همواره منطقه را آبدستن بحران‌های ژئوپلیتیکی، امنیتی و سیاسی کرده است، جغرافیای کردها در نواحی مرزی کشورهای دارای جمعیت کُردی به ماهیت مرزهای این کشورها پیچیدگی و اهمیت زیادی بخشیده است و یکی از این نواحی مرزی استراتژیکی نواحی مرزی استان کردستان است؛ لذا امنیت و توسعه در نواحی مرزی استان کردستان دارای اهمیت استراتژیکی است. در این میان حکومت‌ها برای ایجاد امنیت در نواحی مرزی معمولاً راهکارهای کوتاه‌مدت را بیشتر مدنظر قرار می‌دهند و از توسعه این نواحی غافل می‌شوند و تقدّم امنیت بر توسعه با توجه به بازخوردهای منفی مردم محلی موجب تشدید توسعه‌نیافتگی می‌شود. آمایش نواحی مرزی، راهبردی در جهت برنامه‌ریزی و مدیریت همه‌جانبه نواحی مرزی است که توسعه فضایی را با امنیت ملی و محلی در ساختار و کارکردی که نواحی مرزی دارند، با همدیگر تلفیق می‌کند و راهکارهایی برای توسعه و پیشرفت همسان نواحی مرزی با هسته کشور ارائه می‌دهد که در آن امنیت و توسعه همدیگر را تولید و باز تولید می‌کنند (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۲). با عنایت به این‌که تهدیدهای امنیتی، اقتصادی و سیاسی در نواحی مرزی بیش‌تر از فرصت‌ها هستند، از این‌رو زیربنای مدیریت نواحی مرزی کشورها در زیر سیطره رویکرد شدید امنیتی شکل می‌گیرد و نواحی مرزی به‌عنوان نواحی نظامی و امنیتی در تسلط قوای نظامی و نهادهای امنیتی قرار گرفته و امنیت به پارادایم اصلی مدیریت نواحی مرزی تبدیل می‌شود، در این میان سایر ابعاد توسعه اعم از توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و آمایش تحت تأثیر امنیت قرار می‌گیرند. در این چارچوب بر مبنای استراتژی مبتنی بر تهدید برای مدیریت نواحی مرزی، تحت تأثیر نهادهای نظامی و انتظامی قرار می‌گیرد (پیشگاهی فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۱۴) و این وضعیت توسعه در نواحی مرزی را با رکود مواجه می‌کند و باعث

توزیع نابرابر قدرت و ثروت در پهنه سرزمینی کشور می‌شود و خروجی آن توسعه نابرابر فضایی و تولیدکننده مشکلات امنیتی و بحران‌های سیاسی است. نواحی مرزی استان کردستان با توجه به دارا بودن تمام فاکتورهای آسیب‌زا جزئی از این پیچیدگی‌های مدیریت نواحی مرزی محسوب می‌شود و در نواحی مرزی استان کردستان، تقدّم امنیت بر توسعه حکم‌فرما است. راه رسیدن به امنیت پایدار و توسعه متوازن در نواحی مرزی استان کردستان شناسایی دقیق عوامل تهدید و مدیریت این عوامل در مقیاس‌های محلی، ملی و منطقه‌ای است. این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که عوامل اثرگذار بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان از منظر جغرافیای سیاسی مرز کدام‌اند و اولویت‌بندی آن‌ها برحسب درجه اثرگذاری چگونه است؟

پیرامون آمایش نواحی مرزی و ماهیت مرز به‌طور کلی و نواحی مرزی استان کردستان به‌طور پژوهش‌های گسترده‌ای انجام گرفته است که به مقتضیات بحث بخشی از آن‌ها به‌عنوان پیشینه پژوهش آورده شده است:

ذکی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان به تجزیه و تحلیل عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان پرداخته‌اند، نویسندگان معتقد هستند که عوامل جغرافیای سیاسی، ژئوکالچر، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیکی باعث رویکرد امنیت در آمایش نواحی مرزی استان کردستان شده‌اند. واثق و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل عوامل مؤثر در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان از منظر ژئوپلیتیک به تجزیه و تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان پرداخته‌اند. نویسندگان معتقد هستند که عوامل مهاجرت، مواد مخدر، تروریسم و حضور قدرت‌های غربی عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان هستند. نانکلی کل‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیلی بر اقتصاد غیررسمی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: استان کردستان) به اهمیت مناطق مرزی به دلیل ارتباط با فضای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی بیرونی پرداخته‌اند و نویسندگان این مقاله معتقد هستند که ساکنان نواحی مرزی استان کردستان با اشتغال غیررسمی موافقت کامل دارند و نسبت به وجود اقتصاد غیررسمی در نواحی مرزی رضایت دارند. شاطریان و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل راهبردی مناطق مرزی (مطالعه موردی شهرهای مرزی استان کردستان) به اهمیت راهبردی قاچاق کالا در ضربه زدن به اقتصاد ملی و جلوگیری از بسترسازی برای ایجاد اقتصاد مولد و پویا پرداخته‌اند، نویسندگان معتقد هستند که تنها راهکار برای جلوگیری از قاچاق و ایجاد توسعه فضایی بهبود وضعیت اقتصاد و اجتماعی مرزنشینان است. بهره‌برداری از ظرفیت معدنی و کشاورزی با استفاده از نیروی بومی با رویکرد صادرات می‌تواند موجب ارتقای وضعیت اقتصادی ناحیه شده و پدیده قاچاق را کم‌رنگ کند. قره‌بیگی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان واکاوی سازمان اقتصادی فضا با بهره‌گیری از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه (بررسی موردی شهرستان‌های مرزی استان کردستان) به برنامه‌ریزی در راستای توسعه اقتصادی و سازمان سیاسی فضاها در نواحی مرزی پرداخته‌اند. نویسندگان معتقد هستند که عدم تعادل و ناهماهنگی گسترده‌ای در توزیع و توسعه امکانات در شهرستان‌های مرزی استان کردستان به چشم می‌خورد. رحمتی و محمدی‌حمیدی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه امنیت‌زا در مناطق مرزی (مطالعه موردی مناطق مرزی غرب کشور) به اهمیت رابطه امنیت با توسعه و توزیع امکانات و ظرفیت‌ها پرداخته‌اند. نویسندگان معتقد هستند که شهرستان‌ها مرزی استان کردستان بعد از گذشت زمان گسترده‌ای هنوز از محرومیت و نبود امکانات توسعه رنج می‌برند و با توجه به وضعیت موجود بستر نامنی در این مناطق حساس از کشور فراهم می‌گردد. این شرایط باعث عدم تعادل توسعه در میان مناطق کشور گردیده است؛ لذا جهت جلوگیری از عدم تعادل در مناطق کشور لزوم توجه جدی مسئولین به این مناطق و اعطای تسهیلات و بودجه‌های مکفی جهت پیشرفت اقتصادی و اجتماعی

لازم و ضروری است. وندت، جان آ. و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان زیرساخت‌های حمل‌ونقل و عوامل سیاسی به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده توسعه گردشگری در منطقه فرامرزی بی‌هور و مار آموزش یک تحلیل تطبیقی به این نتایج دست‌یافته‌اند که ایجاد زیرساخت‌های حمل‌ونقل تأثیر مستقیمی بر تسهیل در ارتباطات مرزی دارد و با ایجاد زیرساخت‌ها تحت تأثیر تبادلات فرهنگی تبادلات اقتصادی نیز تسهیل می‌گردد. فیلیپووا، او و دینکو، او (۲۰۲۱) در مقاله‌ای تحت عنوان سیاست هویت در مناطق مرزی اوکراین به این نتایج دست‌یافته‌اند که گروه‌های قومی - فرهنگی مختلف دریافت‌کنندگان منفعل معانی هویتی تحمیل‌شده توسط نخبگان نیستند. آن‌ها بازیگران پویای غیر نهادی هستند که از طریق شیوه‌های آموزشی روزمره در سیاست هویت شرکت می‌کنند و معانی هویتی و حقوق خود را مطالبه می‌کنند و از مبانی خود دفاع می‌کنند. جان‌پرور و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله‌ای به کنترل و حفظ مرزها به دلیل گسترش قومیت کرد در دو طرف مرز ایران و عراق پرداخته‌اند، نتایج پژوهش مزبور نشان می‌دهد که ۱۰ متغیر مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کنترل مرزها بر مناطق استقرار قوم کرد در دو سوی مرز هستند. عدم انسجام فرهنگی در دو سوی مرز با مرکز، تمرکز تهدیدات، بیکاری، برنامه‌ریزی مرزها، بی‌ثباتی سیاسی، جمعیت، تروریسم، استقلال‌طلبی، تبعیض سیاسی، وضعیت توپوگرافی منطقه مرزی و اهمیت مسائل سیاسی و مؤلفه‌های امنیتی در کنترل مرزهای مناطق کردنشین آن متغیرها هستند.

پژوهش‌های زیادی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی اهمیت نواحی مرزی را موردبررسی قرار داده‌اند و از نتایج آن‌ها در ساختارمندی پژوهش استفاده‌شده است، آنچه این پژوهش را از سایر پژوهش‌ها جدا می‌کند، بررسی عمیق و همه‌جانبه مرزهای استان کردستان از منظر جغرافیای سیاسی مرز با محوریت مبانی و مفروضات ژئوپلیتیکی است و عوامل تأثیرگذار در مرزهای استان کردستان در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی بررسی شده است.

مبانی نظری

مرز و نواحی مرزی

مرز، به‌عنوان یک پدیده جغرافیایی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را از همدیگر جدا می‌کند. مرز خط پیرامونی است که انتهای یک پهنه کنشگری سیاسی یک ملت را تبیین می‌سازد و زیربنای سیاسی پیدا می‌کند (پروری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۴). ساختار و کارکرد مرز بر اساس عینیات و یا ذهنیات قابل تبیین است (Jones & Wild, 1994; Hansen, 1978; Buchanan, 1998). ساختار فلسفی مرز در مقابل واژه Border به معنی مرز سیاسی و رسمی میان کشورها است. واژه Boundary معنی حدود و محدوده قدرت‌ها و امپراطوری‌ها را می‌رساند که جنبه‌ای تاریخی و سیاسی مبتنی بر قدرت نظامی دارد (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۲). پدیده مرز با توجه به ماهیت خود در ابعاد ساختار و کارکردی نواحی مرزی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و فرم و فرایند این نواحی را در ابعاد مختلف متأثر می‌کند. نواحی مرزی، دورترین مکان از هسته سیاسی و اقتصادی کشور هستند و علاوه بر ماهیت دوری از هسته شور و عدم کنترل دقیق سیاسی بر آن‌ها، دارای ویژگی‌های منحصربه‌فرد نواحی مرزی هستند که در مجموع این وضعیت باعث تشدید گسیختگی فضایی در ابعاد عینی و ذهنی و در نتیجه توسعه‌نیافتگی و عقب‌افتادگی آن نواحی می‌شود. نواحی مرزی، نزدیک‌ترین نواحی جغرافیایی به مرزهای یک ساختار سیاسی دیگر هستند که در آن، توسعه □ فضایی، بسته به این‌که مرزها بسته، سخت یا نفوذپذیر باشند، از ماهیت مرز و چگونگی رویکرد به مدیریت مرزها تأثیر می‌پذیرد (نیومن، ۲۰۰۳: ۱۸؛ به نقل از بدیعی و میراحمدی، ۱۳۹۵: ۵۲۴). نواحی مرزی از یک‌طرف تحت تأثیر برنامه‌ها و استراتژی‌های ساختار سیاسی قرار می‌گیرند و از سوی دیگر جریان کالا و اندیشه در آن سوی مرز این نواحی را تحت

تأثیر قرار می‌دهد. نواحی مرزی به دلیل وجود مبادلات و پیوندهای فضایی و جغرافیایی در دو سوی مرز و آسیب‌پذیری در برابر تهدیدها مختلف، اهمیت ویژه‌ای در فرایند برنامه‌ریزی، توسعه فضایی و امنیت ملی دارند. در نواحی مرزی چون قدرت حکومت وجود دارد و حاکمیت‌ها اقتدار در مرزها را جزو اولویت‌های امنیتی - سیاسی خود قرار می‌دهند، در نتیجه توسعه و پیشرفت در این نواحی از طریق اعمال برنامه‌هایی و راهبردهایی صورت می‌گیرد که از قبل طرح‌ریزی شده و مورد پشتیبانی، تأیید و حمایت استراتژی‌ها و گفتمان‌های دولت است (پروری و افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۵). نواحی مرزی، دورترین نواحی پیرامونی از نواحی مرکزی هستند و علاوه بر ویژگی دوری از مرکز، دارای ویژگی‌های خاص هستند که باعث تشدید نابرابری فضایی و تقدّم امنیت بر توسعه و توسعه‌نیافتگی آن نواحی می‌شود. حکومت‌ها برای ایجاد امنیت در نواحی مرزی و جلوگیری از بروز و ظهور تهدیدهای ملی معمولاً راهکارهای کوتاه‌مدت و تصمیم‌های لحظه‌ای با توجه به وضعیت ژئوپلیتیکی و معادلات سیاسی در کشورهای پیرامونی را مدنظر قرار می‌دهند و از توسعه این نواحی و اهمیت استراتژیک آن در تولید امنیت برای ساختار سیاسی کشور غافل می‌شوند و تقدّم امنیت بر توسعه با توجه به بازخوردهای منفی مردم تشدید می‌شود، این فرایند در صورت بی‌توجهی به توسعه فضایی و نبود دیدگاه کلی‌نگر مبتنی بر واقعیت‌های جغرافیایی در مدیریت مرزها، نواحی مرزی به حفره‌های امنیتی تبدیل می‌شوند.

ناحیه‌گرایی

هویت فرهنگی مبتنی بر انگاره‌های ذهنی، عامل اصلی تعیین‌کننده نواحی در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی است. هر ناحیه جغرافیایی دارای تعدادی نماد، انگاره و ارزش معین و منحصر به فرد تحت تأثیر داده‌های جغرافیایی و هویت مکانی است، لذا از میان نواحی سیاسی در جغرافیای سیاسی کشورهای جهان دو ناحیه‌ای با نمادها و ارزش‌های یکسان و همگن نمی‌توان یافت (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۵۶). هر ناحیه جغرافیایی، دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های طبیعی و فرهنگی یا عینی و ذهنی است که تعیین‌کننده ساختار و کارکرد این نواحی است و آن را از دیگر نواحی در ابعاد عینی و ذهنی جدا می‌کند. در این میان عینیت و ذهنیت در تمایز و تفاوت بین نواحی جغرافیایی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای هستند. در بعد عینیات به رویه‌های کالبدی مربوط به یک مکان جغرافیایی همچون اقلیم، زمین، منابع طبیعی، چشم‌انداز مکانی و ... آن توجه دارد. چشم‌اندازهای طبیعی به‌عنوان پدیده‌های جغرافیایی در تکوین ابعاد ذهنی اجتماعات انسانی مبتنی بر شکل‌گیری هویت‌ها و انگاره‌های متکی بر هویت مکانی و فضایی مؤثر هستند و چارچوبی در راستای ساختارمند شدن و تکوین فرایندهای فرهنگی و هویت مکانی - فضایی می‌شوند. ساختار جغرافیایی ناحیه‌ها دارای کارکردهای بیرونی هستند و یکی از کارکردهای نواحی جغرافیایی مبتنی بر خصوصیات عینی و ذهنی ناحیه‌گرایی و برجسته کردن تمایزات در تعامل با نواحی دیگر با محوریت نواحی پیرامونی است. ناحیه‌گرایی شیوه‌ای از کنش و واکنش اجتماعات انسانی و هویت مکانی مردم درون یک ناحیه است که به کنش‌های ساختار سیاسی و نهادهای تصمیم‌گیر معترض هستند و آن تصمیمات را در تضاد ساختار و کارکردی با منافع محلی خودارزیایی می‌کنند (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۵۹). این دو ناحیه‌گرایی تسهیلگر به‌وجود آمدن ناحیه‌گرایی سیاسی است و در صورت همپوشانی گونه‌های ناحیه‌گرایی در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی به‌خصوص در نواحی مرزی که دارای عقبه جغرافیایی ناحیه‌گرایی در آن سوی مرز هستند باعث ایجاد حفره‌های سیاسی - امنیتی برای نظام سیاسی می‌شود و در صورت بی‌توجهی نهادهای تصمیم‌گیر در مقطع زمانی طولانی و بی‌توجهی به برنامه‌ریزی درازمدت مبتنی بر واقعیت جغرافیایی، مدیریت کلی‌نگر و رجوع به مبانی و مفروضات جغرافیای انسانی و طبیعی منطقه همراه با اقع‌سازی مردم محلی چتر حاکمیت در آن نواحی به نازک‌ترین سطح ممکن خواهد رسید.

آمایش نواحی مرزی

آمایش سرزمین، امروزه مجموعه‌ای از دانش‌های جدید است که به شیوه هماهنگ و تطبیق یافته عمل می‌کند و کارشناسان رشته‌های گوناگون اعم از علوم اجتماعی، مهندسی و علوم جغرافیایی با هم‌افزایی دسته‌جمعی و مشورت در تصمیم‌سازی منطقی مبتنی بر رویکردهای متعدد در گرایش‌های مطالعاتی مختلف می‌توانند، در مسائل مربوط به آمایش سرزمین در یک ناحیه خاص به‌خصوص در نواحی مرزی مطالعه، برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی کنند. منظور از آمایش سرزمین تعیین ظرفیت‌های بالقوه محیطی و ظرفیت‌های جغرافیایی در ابعاد انسانی و طبیعی در یک ناحیه جغرافیایی است یا به‌عبارت‌دیگر آمایش سرزمین فرایندی جغرافیایی است که قابلیت و توان هر نوع بهره‌برداری را برای هر ناحیه‌ای از سرزمین با توجه به ظرفیت‌های آن ناحیه در راستای هم‌تکمیلی با سایر نواحی جغرافیایی نشان می‌دهد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۹). آمایش سرزمین، شیوه‌ای منطقی از شناخت رفتار انسانی در ابعاد مختلف متکی بر داده‌های جغرافیایی در راستای توسعه پایدار فضایی، اجتماعات فضایی - مکانی در نواحی جغرافیایی بر اساس توجه به توان‌های محیطی و برنامه‌ریزی بر اساس ظرفیت‌ها و قابلیت‌های محیط جغرافیایی است. بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌های نواحی جغرافیایی، هزینه‌ها در کشموری‌های مختلف افزایش می‌یابد و همچنین ساختار جغرافیایی با چالش روبرو می‌شود که در طولانی‌مدت سبب بروز چالش‌های عمیق در جوامع محیط‌های جغرافیایی می‌شود و ظرفیت‌های بالقوه آن نواحی به فراموشی سپرده می‌شوند. راهبرد ذاتی آمایش سرزمین پیوستگی و وابستگی عمیق مبتنی بر فلسفه مکانی - انسان و فضای سرزمینی به یکدیگر است که با توجه به توان‌ها و اقتضانات هرکدام نوعی تعامل پایدار در راستای توسعه فضایی شکل می‌گیرد. آمایش نواحی مرزی به‌عنوان بخشی مهم از آمایش سرزمین، نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه فضایی را با مفروضات و مؤلفه‌های مربوط به امنیت در چارچوب کارکردهایی که ساختار نواحی مرزی دارد، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکاری برای توسعه نواحی مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه همدیگر را تولید و بازتولید می‌کنند (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۶۲). نواحی مرزی دارای ویژگی‌های ساختاری و کارکردی متعددی هستند که اهمیت برنامه‌ریزی در نواحی مرزی را نشان می‌دهد؛ دوری از هسته مرکزی کشور، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت و جابه‌جایی ساکنان، قاچاق و جریانات کالاهای غیرقانونی در مرز، تمایزهای فرهنگی، قومی و مذهبی با هسته کشور، تهدیدات ساختارهای سیاسی خارجی و... جزو این ویژگی‌های هستند (احمدی و دادجو، ۱۳۹۱: ۶۴).

امنیت و مرز

تحولات به وجود آمده در نظام بین‌الملل باعث تغییر ماهیت در مفهوم‌پردازی امنیت گردیده و راهبردهایی که در جهت دستیابی به امنیت توسط واحدهای سیاسی وضع می‌گردد را نیز در برمی‌گیرد. امنیت مرزی به مفهوم جلوگیری از هرگونه اعمال غیرقانونی در گستره مرزهای یک کشور و نهادی کردن جریان انسان و کالا با رعایت ضوابط قانونی از طریق مجاری مجاز در نواحی مرزی است. امنیت نواحی مرزی هم‌سو با امنیت انسانی با مؤلفه‌های متنوع در گستره سرزمینی کشور است و هرگونه ناامنی در مرز می‌تواند در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور خلل ایجاد کند. در مقابل امنیت پایدار و همه‌جانبه می‌تواند در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد. مرزها به‌عنوان ویتترین در جغرافیای سیاسی کشورها کارکردی دارند که اگر تهدیدات امنیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور را هدف قرار دهد، آن تهدید را ابتدا نواحی مرزی لمس می‌کنند و امنیت پایدار در نواحی مرزی یکی از پایه‌های مهم در راستای حفظ امنیت کشور است. امنیت و مرز دو مقوله غیرقابل جدا از همدیگر هستند و یکی از فلسفه‌های وجودی به وجود آمدن مرز، موضوع امنیت در برابر تهدیدات بوده است؛ بنابراین امنیت ملی با امنیت در نواحی مرزی جزء اجزای لاینفک در یک کشور در نظر گرفته می‌شوند. در کنار ارتباط ارگانیک

امنیت نواحی مرزی با امنیت ملی، امنیت با توسعه نیز ارتباط عمیقی دارد و بدون ایجاد بستری امن در فضای سرزمینی امکان توسعه فضایی نیز میسر نخواهد شد. توسعه، دارای ابعاد مختلفی در زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی است که هرکدام از این ابعاد بر همدیگر مؤثر هستند و جامعه را به سمت امنیت، رفاه و آسایش سوق می‌دهد. توسعه، آمایش و امنیت در نواحی مرزی دارای ارتباطی نزدیک هستند و تا رویکردها و توجه تک عاملی برای ایجاد امنیت نسبت به نواحی مرزی تغییر نکند، توسعه‌نیافتگی این نواحی باقی خواهد ماند (Hansen, 1978: 254). با توجه به ویژگی‌های نواحی مرزی در نتیجه ماهیت امنیت در نواحی مرزی دارای اهمیت گسترده‌ای در امنیت ملی واحدهای سیاسی است و دلیل آن نیز وجود بسترهای تهدید در نواحی مرزی است. با توجه به این که تهدیدها در نواحی مرزی بیش‌تر از فرصت‌ها است و همچنین ماهیت تهدیدها در نواحی مرزی دارای پیچیدگی‌های بیشتری است و از عوامل ژئوپلیتیکی بیشتری تأثیر می‌پذیرد و از این‌رو شاکله مدیریت و پایش مرزهای سیاسی تحت تأثیر پایش شدید امنیتی شکل می‌گیرد (پیشگاهی‌فرد و میرزاده کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۱۴) و این وضعیت توسعه در نواحی مرزی را با رکود مواجه می‌سازد و باعث توزیع نابرابر قدرت و ثروت در کشور و همچنین توسعه غیر همگن می‌شود و خروجی آن توسعه نابرابر فضایی و ایجاد بحران‌های امنیتی و سیاسی در نواحی مرزی است.

تقدم امنیت بر توسعه

نواحی مرزی به دلیل تأثیرات مستقیمی که بر ابعاد سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی کشور دارند از اهمیت والایی در امنیت ملی، منافع ملی و قدرت ملی برخوردار هستند. رویکرد نهادهای تصمیم‌ساز به نواحی مرزی متفاوت و تحت تأثیر الگوهای مختلف است. در برنامه‌ریزی‌های راهبردی آمایش سرزمین نسبت به این نواحی نگاه‌های متفاوتی وجود دارد. طرفداران مدل تقدم بر امنیت در آمایش نواحی مرزی، عموماً افرادی را شامل می‌شود که دغدغه‌های امنیتی دارند و امنیت را در اولویت اساسی استراتژی خود قرار می‌دهند. این افراد و نهادها معتقدند که اگر امنیت در یک منطقه به صورت کامل برقرار نباشد، توسعه فضایی به وجود نمی‌آید؛ بنابراین پارادایم اصلی در راهبرد خود را تثبیت امنیت با هر شیوه‌ای حتی اگر لازم باشد قهری و پلیسی می‌دانند. این طیف فکری معتقدند، نواحی مرزی به دلیل اهمیت راهبردی در امنیت ملی ابتدا باید امنیتشان تأمین شود و سپس در سایه این امنیت و ثبات امنیتی است که توسعه پدید خواهد آمد. در اولویت‌بندی برخی از نظریه‌پردازان، این گروه اعتقادی به توسعه ندارند و صرفاً درصد تأمین امنیت نواحی مرزی هستند. این گفتمان استدلال می‌کند، مرزها لبه‌های بیرونی کشور هستند و باید امنیتشان را تحت هر شرایطی تأمین کرد. طرفداران نظریه تقدم امنیت بر توسعه نهادهای سیاسی - امنیتی هستند. این نهادها به دلیل شناخت دقیق از وجود بحران‌های امنیتی در نواحی مرزی نگرانی‌های خاصی دارند؛ به طوری که ممکن است در صورت وجود پیچیدگی‌های امنیتی توسعه و پیشرفت در نواحی مرزی را با نگاهی مشکوک و در جهت خدمت به رقبا معرفی می‌کنند. در بین طرفداران این نظریه بخشی به امنیت و سپس در سایه امنیت به توسعه معتقد هستند و طیف رادیکال امنیت را اصل و غیرقابل بحث قرار می‌دهند. این دسته که با توجه به تغییرات بنیادی در فلسفه سیاسی و امنیتی محدود هستند، هرگونه توسعه‌ای را در تضاد با امنیت می‌نگرند. اما برعکس گروه اول معتقدند در بستر تأمین امنیت به‌طور خودکار توسعه فضایی شکل خواهد گرفت (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۷۶-۵۷).

ژئوپلیتیک و عامل ژئوپلیتیکی

ژئوپلیتیک، روابط ساختاری و کارکردی بین بازیگران سیاسی در مثلث رقابت، قدرت و منابع در فضاها و همان‌طور که اشاره شد ژئوپلیتیک عبارت از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با

یکدیگر است. یکی از ساختارهای فلسفی در ژئوپلیتیک که بر مبنای آن‌ها تبیین‌های ژئوپلیتیکی انجام می‌گیرد و ژنوم‌های ژئوپلیتیکی شناسایی می‌گردند، عوامل ژئوپلیتیکی هستند. ژئوپلیتیک به دنبال کشف و اثبات این واقعیت است که چگونه موقعیت‌های مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و موقعیت جغرافیایی که یک واحد سیاسی بر روی آن قرار گرفته است گزینه‌های سیاست خارجی حکومت و جایگاه آن را در سلسله‌مراتب کنش‌ها و واکنش‌های یک ساختار سیاسی تعیین می‌کند. از این رو در اختیار داشتن مکان‌های جغرافیایی برتر در هر منطقه از زمین و فضا تضمینی برای رسیدن به اهداف استراتژیک کشورها و مناطق جغرافیایی است (Flint, 2016). در ژئوپلیتیک نوین محققان در حال جستجو برای پارادایم‌های جدید برای پیش‌بینی مسیری هستند که نظام بین‌الملل می‌تواند در قرن بیست و یکم به سمت آن حرکت کند. ژئوپلیتیک نوین، دیدگاه‌های تازه‌ای در رابطه بین جغرافیا و سیاست برای توسعه پارادایم‌های واقع‌گرایانه مطرح می‌کند (Cohen, 2018:52). نقش هر کشور در سیاست بین‌الملل فقط به تمایلات افکار و عقاید اداره‌کنندگان سیاست خارجی آن کشور بستگی ندارد؛ بلکه زمینه فعالیت و قدرت آن‌ها به سبب عوامل و وضعیت‌های خاصی که وجود دارد محدود می‌شود. گفتمان ژئوپلیتیکی به توصیف و تشریح فضایی‌شان سیاست بین‌الملل در اثر به‌کارگیری گفتمان‌ها در اجرای سیاست خارجی می‌پردازد و ژئوپلیتیک گفتمانی مطالعه منابع اجتماعی - فرهنگی و قواعدی است که توسط آن‌ها جغرافیای سیاست بین‌الملل نوشته می‌شود (مرادی و افضلی، ۱۳۹۲: ۱۱). هر منطقه بر اساس وزن ژئوپلیتیکی که دارد می‌تواند در صحنه نظام بین‌الملل نقش ایفا کند و در راستای منافع خود به روابط ژئوپلیتیکی شکل دهد. قدرت به‌شدت متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی در راستای تدوین روابط ژئوپلیتیکی است و این شامل کلیه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با جغرافیای کشورها و مناطق اعم از انسانی و طبیعی می‌شود. عوامل ژئوپلیتیکی مادی از محیط فیزیکی کشور ناشی می‌شوند و عناصری مانند موقعیت جغرافیایی و وسعت جغرافیایی، منابع طبیعی، آب‌وهوا، شکل جغرافیایی، پستی‌وبلندی یا توپوگرافی و مرزها را در برمی‌گیرد. عناصر انسانی که از ویژگی‌های جمعیتی کشور سرچشمه می‌گیرد، شامل عواملی چون پیشینه و تجارت تاریخی، تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگ سیاسی، بافت قومی و نژادی و مذهب می‌شود. نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک رفتار سیاست خارجی بازیگران سیاسی را تابعی از شرایط و وضعیت جغرافیایی آنان می‌دانند و تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران را در چهارچوب الزامات ژئوپلیتیکی تحلیل می‌کنند وضعیت جغرافیایی، قوام دهنده گزینه‌های موجود برای مناطق جغرافیایی است و انتخاب‌های آن را در حوزه سیاست‌های خارجی محدود می‌سازد. چیدمان هرم قدرت در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی نظام ژئوپلیتیک را تعیین می‌کند. نظام ژئوپلیتیک ساختار و سلسله‌مراتب هندسه قدرت را بر اساس وزن ژئوپلیتیکی مناطق و فضاهای جغرافیایی بررسی می‌کند. نظام ژئوپلیتیک که ترکیبی از رفتار بازیگران اعم از همکاری و مناقشه، گفتمان‌ها، ایدئولوژی‌ها و به‌طور کلی قرائت جهان سیاسی در ابعاد ذهنی و عینی است به روابط ژئوپلیتیکی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیک شکل می‌دهد. نظام ژئوپلیتیک دارای پویایی بوده و سلسله‌مراتب قدرت در دوره‌های زمانی مختلف دچار تغییرات بنیادی می‌شود. عوامل ژئوپلیتیک همواره نقش مهمی در امور اجتماعات انسانی داشته است. عوامل ژئوپلیتیک هویت، ماهیت و تاریخ دولت‌های ملی را شکل داده یا مانع ملت‌سازی و تکوین فرایند تشکیل دولت ملی شده است. به توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی واحدهای سیاسی کمک کرده یا مانع توسعه و ثبات سیاسی و امنیتی شده است. عوامل ژئوپلیتیک واحدهای سیاسی نقش مهمی در روابط بین‌المللی آن‌ها داشته است. به این ترتیب، نهادهای سیاسی به لحاظ ویژگی‌ها و ساختارهای جغرافیایی طبیعی و انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند که به لحاظ نقشی که در نظام بین‌الملل بر عهده دارند، با کشورهای دیگر، به‌ویژه با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تعامل مثبت یا منفی دارند. توجه به ویژگی‌ها و عوامل ژئوپلیتیک باعث می‌شود که

بازیگران سیاسی به نقاط ضعف و قوت و به‌طور کلی قدرت ملی و منافع ملی خودآگاه باشند. آن‌ها در اتخاذ راهبردهای سیاسی و بین‌المللی اهداف لازم را خواهند داشت و متناسب با توانمندی‌ها، نقش و جایگاه خود در عرصه بین‌المللی به دنبال منافع خواهند بود. نکته مهم این است که تصمیم‌گیران در سیاست خارجی با شناخت کامل و دقیق عوامل ژئوپلیتیکی بهترین تصمیم را گرفته و از عوامل مثبت در جهت تحقق منافع ملی نهایت بهره را ببرند و آثار نامطلوب عوامل منفی را به حداقل برسانند (Parsaei & Others, 2020).

عامل ژئوکالچر

مفهوم ژئوکالچر از دو واژگان ژئو به معنی زمین و محتویات عینی آن و کالچر به معنی فرهنگ که دارای ساختار جغرافیایی ذهنی و کارکردهای عینی و انسان‌ساخت کالبدی تشکیل یافته است. تحلیل ژئوکالچر مستلزم برخورداری از یک نگرش در مقیاس جهانی و منطقه‌ای به فرایندهای فرهنگی و رقابت‌های گفتمانی در فضاها و مکان‌های جغرافیایی است (حیدری، ۱۳۸۴: ۱۰۱). مبتنی بر این تحلیل همواره، اجتماعات انسانی از جایگاه منحصر به فردی در موزاییک فرهنگی و ارتباطات و تضادهای هویتی برخوردار هستند. اگر چه در ابتدا توجه به ملت‌ها و روابط فرهنگی با آن‌ها به‌عنوان عامل تأثیرگذار در سیاست خارجی منحصر می‌شد؛ اما به‌صورت تدریج اکثر کشورها در کنار روابط سیاسی خود به روابط فرهنگی در نظام بین‌الملل توجه پیدا کردند و در حوزه سیاست خارجی آن‌ها نهادهایی با کارکرد سیاست فرهنگی شکل گرفته است که سایر ابعاد قدرت و کنش‌های تولید قدرت در راستای منافع ملی را پوشش می‌دهد. ژئوکالچر، کنش‌های فرهنگی را در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی در ارتباط با هویت ملی و هویت قومی و ارتباطات آن‌ها در مقیاس‌های جغرافیایی مبتنی بر هویت مکانی بررسی می‌کند. عامل ژئوکالچر، شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است که عنصر فرهنگ را با رقابت و قدرت مرتبط می‌کند. فرهنگ، یکی از راه‌های آسان نفوذ و ارتقای قدرت است که می‌تواند کشورها را تضعیف یا تقویت کند.

عامل ژئواستراتژیکی

ژئواستراتژی عبارت از مطالعه اثر عوامل استراتژیک محیط جغرافیایی منطقه‌ای و جهانی روی تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت‌ها و اثرگذاری‌های متقابل کشورها در ابعاد منطقه‌ای و جهانی و سیاست‌های قدرت است. ژئواستراتژی در حقیقت علم کشف روابطی است که بین یک استراتژی و محیط جغرافیایی وجود دارد (عزتی، ۱۳۷۹: ۸). موضوع ژئواستراتژی بررسی عناصر جغرافیایی مبتنی بر استراتژی و نائل آمدن به نتایج استراتژیک است. ژئواستراتژی به مفهوم هنر تلفیق کنش‌های مبتنی بر سیاست، راهبرد، جغرافیا و برخورداری از این پیوند در تحرکات راهبردی در سیاست خارجی یک کشور است. ترکیب جغرافیا، مسائل جهانی و عوامل استراتژیک، مناطق جغرافیایی ویژه‌ای را شکل می‌دهد که از آن می‌توان به منطقه ژئواستراتژیک تعبیر نمود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۹-۱۴۸). عوامل ژئواستراتژیکی، عواملی هستند الهام گرفته از محیط جغرافیایی که اهداف کلی و کلان حکومت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

عامل ژئواکونومیک

ژئواکونومیک تحت تأثیر روابط سیاست و اقتصاد زمین پایه است. عوامل ژئواکونومیک بخشی از مبانی ژئوپلیتیک است که سیاست، منابع سرزمینی و ارزش مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی را با هم بررسی می‌کند. ادوارد لوتواک^۱ الگوی ژئواکونومیک را با مفهوم‌پردازی و به روابط بین‌الملل و تحلیل‌های بین‌المللی وارد کرده است. بعد از تحولات فروپاشی

1 . Edward Luttwak

نظام بین‌الملل دوقطبی مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و امنیتی شده‌اند، عامل منازعات و تنش‌ها همان موضوع‌هایی با سرچشمه مؤلفه‌های گذشته نیستند، در کنار هر چالش ژئوپلیتیکی در فضاها و مکان‌های جغرافیایی عوامل ژئوپلیتیکی مبتنی بر داده‌های اقتصادی میان‌پایه بروز می‌کند (Luttwak, 1990: 89). پدید آمدن نگاه ژئواکونومیک در رقابت‌ها بین قدرت‌ها در معادلات ژئوپلیتیکی باعث تغییرات بنیادی در ماهیت و کارکرد تنش‌های سیاسی شده است. قدرت‌های بزرگ معتقد هستند که با پویایی شبکه‌سازی و ساختارمندی کنش‌های ژئواکونومیک در مناطق مختلف جهان، هسته هرم قدرت اقتصادی حفظ خواهد شد و همچنین ساختار اقتصادی جهان نظم خواهد گرفت. رهیافت ژئواکونومی در سیاست تجاری کشورهای توسعه‌یافته مشهود است و آن رهیافت کنشگری برای جذب بازارها و کسب جایگاه برتر در شطرنج قدرت اقتصادی در مقیاس جهانی و منطقه‌ای است. رهیافت ژئواکونومیک، از تلفیق سه مؤلفه جغرافیا، قدرت و اقتصاد میان‌پایه شکل گرفته است و به تحلیل روابط ارگانیک این سه عامل و تعامل آن‌ها به‌منظور کسب قدرت حکومت‌ها در راستای کنشگری بهتر در معادلات سیاسی می‌پردازد. قدرت جهانی قرن حاضر قدرتی است که اقتصاد را پایه اصلی سیاست خود در راستای تولید و باز توزیع ثروت قرار داده است که خواهد توانست در جهانی شبکه‌ای شده و با راهبرد ژئواکونومیک هسته قدرت را پویا نگه دارد و در توسعه اقتصادی سایر مناطق جهان نقش داشته باشد. پویایی اقتصاد و تولید و توزیع ثروت نیاز ضروری به منابع جغرافیایی دارد، قدرتی برتر است و توانایی کنشگری مثبت در عرصه بین‌المللی خواهد داشت که بر تولید، مصرف و انتقال منابع و مکان‌های راهبردی کنترل داشته باشد؛ بنابراین، ژئواکونومیک رویکردی در تحلیل مسائل بین‌المللی، به‌ویژه رقابت حکومت‌ها در مناطق استراتژیک اقتصادی جهان است که در آن به جغرافیا، قدرت و اقتصاد در تعامل با یکدیگر توجه می‌شود. ژئواکونومی پدیده‌ای خارج از دایره معرفتی ژئوپلیتیک نیست؛ بلکه بخشی مهم از قلمرو دانش ژئوپلیتیک با خوانشی اقتصادی نسبت به پدیده‌های سیاسی است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۷۳). ژئواکونومی را باید با مفروضات و مبانی ژئوپلیتیک تبیین کرد و دلیل آن اهمیت اقتصادی مکان‌های جغرافیایی و کنترل مکان‌های و بازارهای مصرف و نقشه مناطق تولید و گذرگاه‌های کالا با محوریت نواحی مرزی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

روش پژوهش

تحقیق پیشرو از نوع توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری و تحلیل داده‌ها کتابخانه‌ای و تحلیل آماری مبتنی بر داده‌های میدانی (پرسش‌نامه) است. برای این منظور ابتدا به مطالعات مبانی نظری و چارچوب مفهومی پژوهش پرداخته شده و سپس از درون آن شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش استخراج گردیده است. بر اساس متغیرهای پژوهش، پرسش‌نامه‌ای در قالب ۲۰ گویه با طیف لیکرت (پنج گزینه‌ای) طراحی شده است. شاخص‌های اصلی این پژوهش شامل شاخص‌های سیاسی - ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک، ژئوکالچری و ژئواستراتژیک است. در ادامه پژوهش نیازمند تعیین جامعه آماری بوده است؛ لذا نواحی مرزی استان کردستان به‌عنوان ناحیه مورد مطالعه انتخاب شد. علت انتخاب این ناحیه، اهمیت آن برای امنیت و توسعه کشور بوده است و معمولاً با توجه به زیست‌قوم‌گرد با گرایش‌های سیاسی و مذهبی این ناحیه از لحاظ امنیتی دارای اهمیت مضاعف است. با توجه به اثرات و تشعشعات مرز در سطح شهرستان، شهرستان‌های مرزی استان کردستان به‌عنوان محیط پژوهش انتخاب شد و جامعه آماری از کارشناسان اجرایی در سازمان‌ها و نهادها و همچنین نخبگان و دانشجویان در رشته‌های مرتبط با موضوع پژوهش بوده‌اند. با استفاده از فرمول کوکران با جامعه نامعلوم و واریانس نامعلوم برای تعیین حجم نمونه، ۳۸۴ پرسش‌نامه بر اساس اهمیت شهرستان، طول مرز و جمعیت بین شهرستان‌های مرزی استان کردستان تقسیم‌بندی و پاسخ داده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS

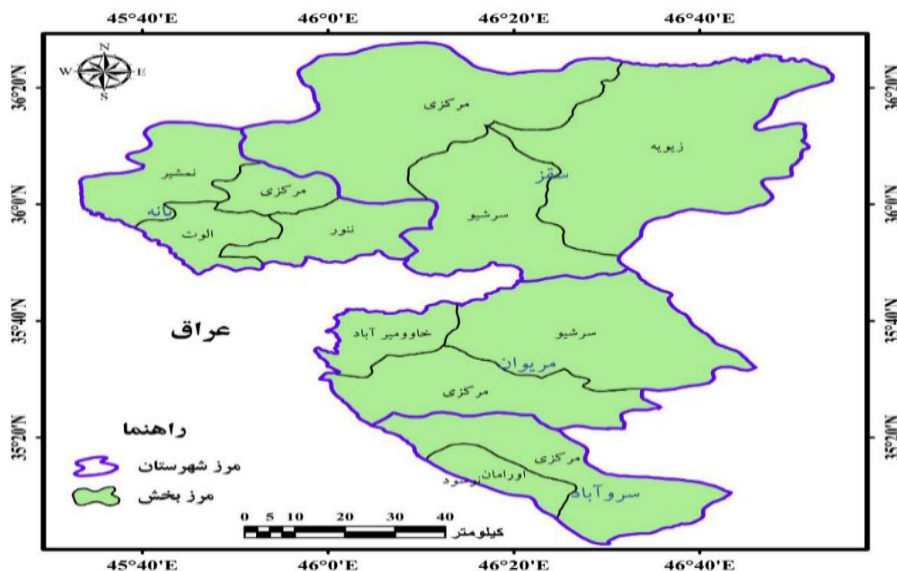
استفاده‌شده و با توجه به مقیاس داده‌ها که از نوع مرتبه‌ای بوده‌اند از آزمون t تک متغیره برای مقایسه میانگین‌ها استفاده‌شده است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱. تعداد توزیع پرسش‌نامه‌ها به تفکیک شهرستان‌های مرزی

شهرستان	تعداد پرسش‌نامه
بانه	نخبه دانشگاهی ۶۰
	کارشناس اجرایی ۶۰
سروآباد	نخبه دانشگاهی ۲۰
	کارشناس اجرایی ۲۰
سقز	نخبه دانشگاهی ۵۰
	کارشناس اجرایی ۴۰
مریوان	نخبه دانشگاهی ۷۰
	کارشناس اجرایی ۶۴
کل	۳۸۴

محدوده مورد مطالعه

ایران، دارای مرزهای طولانی با طول حدود ۸۵۷۴ کیلومتر (نامی و حیدری پور، ۱۳۹۱: ۲۳۶) و اقوام و مذاهب مختلف در نواحی مرزی است که این وضعیت، اهمیت مرزهای ایران از لحاظ امنیتی را تشدید کرده است (مجتهدزاده، ۹۰: ۱۳۸۹). استان کردستان به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی ایران بین ۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. مرکز این استان، شهر سنندج و مساحت استان ۲۹۱۳۷ کیلومتر مربع، معادل ۱,۷ درصد مساحت کل کشور ایران است و از نظر وسعت، رتبه ۱۶ را در کشور دارا هست. این استان که در دامنه‌ها و دشت‌های پراکنده سلسله جبال زاگرس قرار گرفته است از شمال به استان‌های آذربایجان غربی و زنجان، از شرق به همدان و زنجان، از جنوب به استان کرمانشاه و از غرب به کردستان عراق محدود است (www.ostan-kd.ir). استان کردستان با کشور عراق حدود ۲۱۲ کیلومتر مرز مشترک دارد که شهرستان‌های مرزی آن شامل شهرستان‌های بانه، مریوان و قسمت‌هایی از سقز و سروآباد است (شکل شماره ۱ و جدول شماره ۳). مردم نواحی مرزی استان کردستان به زبان کُردی تکلم می‌کنند و از نظر مذهبی پیروان سنی مذهب امام شافعی هستند. نواحی مرزی استان کردستان از سطح توسعه اقتصادی پایینی برخوردار هستند.



شکل شماره ۱. محدوده مورد مطالعه

جدول شماره ۲. آمار شهرستان‌های مرزی استان کردستان

محدوده	مساحت	طول مرز	بخش	آبادی	جمعیت روستایی	جمعیت شهری	جمعیت کل
مریوان	۲۳۰۸,۰۴	۹۰,۷۹	۳	۱۵۳	۴۴۰۷۴	۱۵۱۱۸۸	۱۹۵۲۶۳
بانه	۱۵۶۱,۵۶	۷۷,۶۸	۴	۱۹۴	۴۳۳۶۵	۱۱۵۳۲۵	۱۵۸۶۹۰
سقز	۴۴۶۹,۶۳	۳۰,۲۸	۳	۲۷۴	۵۸۰۹۲	۱۶۸۳۵۹	۲۲۶۴۵۱
سروآباد	۱۰۵۵,۴	۱۳,۲۸	۲	۷۶	۳۶۶۴۳	۸۲۹۷	۴۴۹۴۰
کل	۹۳۹۴,۶	۲۱۲,۰۱	۱۲	۶۹۷	۱۸۲۱۷۴	۴۴۳۱۶۹	۶۲۵۳۳۳

مأخذ: (وزارت کشور و مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶)

بحث و یافته‌ها

در این پژوهش با توجه به مسئله پژوهش چهار شاخص سیاسی / ژئوپلیتیکی، ژئوآکونومیک، ژئوکالچری و ژئواستراتژیکی در نواحی مرزی استان کردستان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای تعیین میزان اثرگذاری شاخص‌ها بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان و همچنین تفاوت میانگین‌ها با توجه به میزان معناداری کمتر از آلفا ۰,۰۵ موارد زیر به دست آمده است.

نمونه مورد مطالعه ۳۸۴ نفر از افراد بومی شهرستان‌های مرزی استان کردستان بوده‌اند که ۱۷۲ نفر آن‌ها کارشناس اجرایی در سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با موضوع پژوهش و ۲۱۲ نفر نیز دانشجویان و نخبگان در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های مرتبط با موضوع پژوهش بوده‌اند. از نظر میزان تحصیلات ۱۶۶ نفر دارای مدرک لیسانس و ۱۴۵ نفر فوق لیسانس و ۷۳ نفر دکتری بوده‌اند. برحسب تفکیک سنی، سن بین ۲۵ تا ۳۵ ساله ۱۳۶ نفر و سن ۳۶ تا ۴۶ ساله ۱۳۳ نفر و همچنین سن ۴۷ تا ۶۵ ساله ۹۰ نفر بوده است. از افراد نمونه ۲۴۴ نفر مرد و ۱۴۰ نفر زن بوده‌اند.

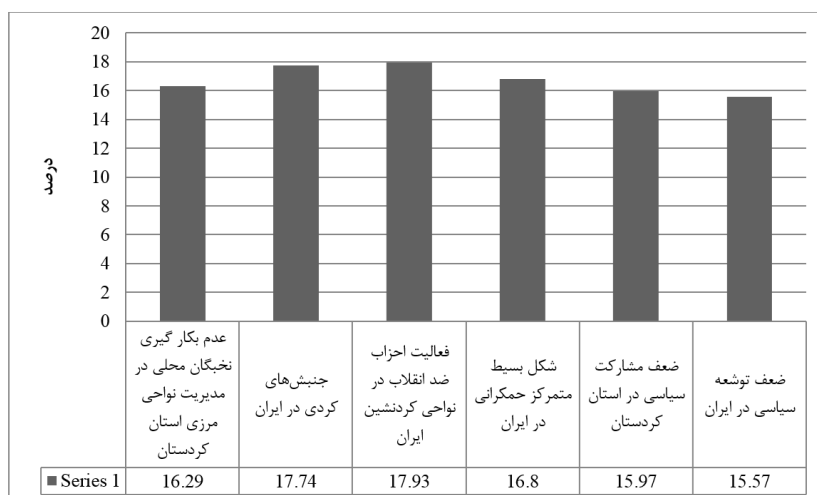
شاخص سیاسی - ژئوپلیتیکی

یکی از عوامل اثرگذار در تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان مسائل سیاسی است. با توجه به مرزی بودن ناحیه و اهمیت آن از لحاظ ژئوپلیتیکی نیز قابل‌بحث است. جدول شماره ۳ آزمون گویه‌های مربوط به شاخص سیاسی - ژئوپلیتیکی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. آزمون گویه‌های مربوط به شاخص سیاسی - ژئواکونومیکی

آزمون شاخص سیاسی - ژئوپلیتیکی					
سیاسی - ژئوپلیتیکی					
Test Value = 3 (وزن استاندارد)					
اختلاف میانگین	Sig. (2-tailed)	میانگین گویه‌ها	درجه آزادی	ضریب T	
۱,۰۲۶	۰,۰۰۰	۴,۳۱	۳۸۳	۱۸,۲۳۳	ضعف توسعه سیاسی در ایران
۱,۳۸۵	۰,۰۰۰	۴,۴۲	۳۸۳	۴۱,۶۲۰	ضعف مشارکت سیاسی در استان
۱,۶۲۵	۰,۰۰۰	۴,۶۵	۳۸۳	۵۵,۰۸۲	شکل متمرکز حکومت در ایران
۱,۸۶۷	۰,۰۰۰	۴,۸۷	۳۸۳	۱۰۷,۶۷۴	جنبش‌ها و اعتراضات در استان
۱,۸۸۳	۰,۰۰۰	۴,۹۱	۳۸۳	۱۰۰,۳۹۶	فعالیت احزاب ضدانقلاب در نواحی مرزی استان
۱,۴۸۲	۰,۰۰۰	۴,۵۷	۳۸۳	۴۳,۶۰۰	عدم به‌کارگیری نخبگان محلی در مدیریت استان

با توجه به آزمون t گرفته‌شده در بخش مربوط به شاخص سیاسی - ژئوپلیتیکی و با توجه به نمرات کسب‌شده که نمره sig کمتر از ۰,۰۵ است، فرضیه ثابت‌شده و اولویت‌بندی گویه‌ها با توجه به میانگین به‌دست‌آمده بدین‌صورت است که فعالیت احزاب ضدانقلاب با میانگین نمره ۴,۹۱ بیشترین میانگین را در بین گویه‌ها به دست آورده است و بیشترین تأثیر را در تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان ایفا کرده است. سپس جنبش‌های و اعتراضات با میانگین نمره ۴,۸۷ در اولویت دوم قرار گرفته است و سپس شکل متمرکز حکومت در ایران با میانگین نمره ۴,۶۵ در اولویت سوم اثرگذاری قرار گرفته است. سپس عدم به‌کارگیری نخبگان در مدیریت نواحی مرزی استان کردستان با میانگین ۴,۵۷ در اولویت چهارم قرار گرفته است. در اولویت پنجم ضعف مشارکت سیاسی در استان کردستان با میانگین نمره ۴,۴۲ در تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان مؤثر است و سپس در اولویت آخر ضعف توسعه سیاسی با میانگین نمره ۴,۳۱ قرار گرفته است. بیشترین عامل اثرگذار در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان کردستان عامل مربوط به فعالیت احزاب ضدانقلاب در نواحی مرزی استان و همچنین کمترین عامل اثرگذار در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان کردستان مربوط به میزان توسعه سیاسی در ایران است (شکل شماره ۲).



شکل شماره ۲. درصد اثرگذاری سیاسی - ژئوپلیتیکی در رویکرد امنیتی نسبت به آمایش نواحی مرزی

شاخص ژئوکالچر

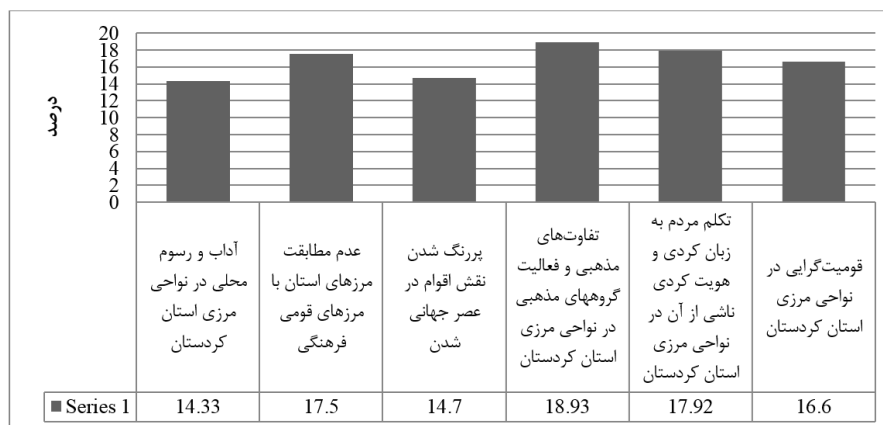
تفاوت‌های قومی مذهبی فرهنگی و به‌طور کلی ژئوکالچری نواحی مرزی استان کردستان با هسته اصلی کشور یکی از اثرات اثرگذار بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان بوده است. جدول شماره ۴ آزمون مربوط به گویه‌های ژئوکالچر را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. آزمون گویه‌های مربوط به شاخص ژئوکالچر

آزمون شاخص ژئوکالچر					ژئوکالچر
اختلاف میانگین	Sig. (2-tailed)	میانگین گویه‌ها	درجه آزادی	ضریب T	
۰,۳۵۷	۰,۰۰۰	۴,۱۲	۳۸۳	۷,۱۵۱	تفاوت‌های مذهبی و فعالیت گروه‌های مذهبی مردم نواحی مرزی استان کردستان
۰,۴۷۱	۰,۰۰۰	۳,۹	۳۸۳	۱۰,۸۰۹	ناحیه‌گرایی زبانی در نواحی مرزی استان کردستان
۱,۰۲۱	۰,۰۰۰	۳,۶۱	۳۸۳	۲۵,۳۸۵	قومیت‌گرایی در شهرستان‌های مرزی استان کردستان
۰,۶۳۸	۰,۰۰۰	۳,۲	۳۸۳	۱۳,۴۵۵	پرنسپل شدن نقش اقوام در عصر جهانی شدن
۰,۸۱۳	۰,۰۰۰	۳,۸۱	۳۸۳	۲۶,۲۸۸	عدم مطابقت مرزهای استان کردستان با مرزهای قومی
-۰,۱۱۲	۰,۵۱۱	۳,۱۲	۳۸۳	-۰,۶۵۷	آداب‌ورسوم محلی

با توجه به آزمون t گرفته‌شده در بخش مربوط به شاخص ژئوکالچری و با توجه به نمرات کسب‌شده فرضیه در زیرشاخه مربوط به آداب‌ورسوم محلی با توجه به بالاتر بودن Sig از ۰,۰۵ رد شده است و اولویت گویه‌ها بدین صورت است که تفاوت‌های مذهبی و فعالیت گروه‌های مذهبی با میانگین نمره ۴,۱۲ در اولویت اول اثرگذاری بر تقدّم امنیت بر توسعه قرار گرفته‌اند. در اولویت دوم ناحیه‌گرایی زبانی و کنش‌های سیاسی ناشی از آن با میانگین ۳,۹ قرار دارد. در اولویت سوم عدم مطابقت مرزهای استان کردستان با مرزهای قومی - فرهنگی با میانگین نمره ۳,۸۱ در تقدّم امنیت بر توسعه در

آمایش نواحی مرزی استان کردستان قرار گرفته است. در اولویت چهارم قومیت‌گرایی در نواحی مرزی استان کردستان قرار گرفته است. در اولویت پنجم پررنگ شدن نقش اقوام در عصر جهانی شدن با میانگین نمره ۳,۲ قرار گرفته است و در اولویت ششم عوامل اثرگذار بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی آداب‌ورسوم محلی با میانگین نمره ۳,۱۲ قرار دارد. به طوری که آداب‌ورسوم محلی در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان بی‌اثر است و سایر گویه‌ها اثبات شده‌اند (شکل شماره ۳).



شکل شماره ۳. درصد اثرگذاری عوامل ژئوکالچری در رویکرد امنیتی نسبت به آمایش نواحی مرزی

شاخص ژئواستراتژیکی

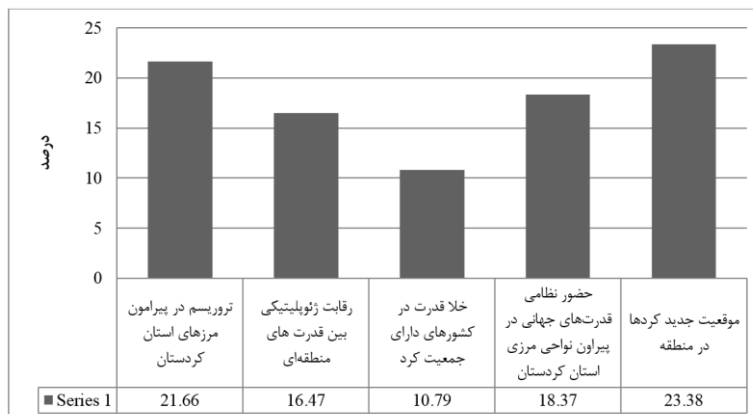
یکی از شاخص‌های اثرگذار در تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان شاخص ژئواستراتژیکی است. این شاخص با توجه به اهمیت مرز و ناحیه جغرافیایی مورد مطالعه و راهبردهای هر کشور در زمینه امنیت ملی در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان کردستان نقش‌آفرینی می‌کند. جدول شماره ۵ آزمون گویه‌های مربوط به شاخص ژئواستراتژیک را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. آزمون گویه‌های مربوط به شاخص ژئواستراتژیکی

آزمون شاخص ژئواستراتژیکی					ژئواستراتژیکی
اختلاف میانگین	Sig. (2-tailed)	میانگین گویه‌ها	درجه آزادی	ضریب T	
۰,۳۱۰	۰,۰۰۰	۳,۴۵	۳۸۳	۵۶,۰۲	موقعیت جدید کردها در منطقه
-۰,۳۲۰	۰,۰۰۰	۲,۷۲	۳۸۳	-۸,۸۸۶	حضور قدرت‌های جهانی در مرزهای غربی ایران
-۰,۱۹۸	۰,۰۰۱	۲,۹۲	۳۸۳	-۳,۳۶۴	رقابت قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه
۱,۶۵	۰,۶۱۴	۲,۴۳	۳۸۳	۹,۳۶۲	خلأ قدرت در کشورهای همسایه ایران (عراق و سوریه)
۰,۰۵۷	۰,۰۰۰	۳,۲۴	۳۸۳	۱,۰۳۵	پدیده تروریسم در منطقه

با توجه به آزمون t گرفته شده در بخش مربوط به شاخص ژئواستراتژیکی و با توجه به نمرات کسب شده و بیشتر بودن sig از ۰,۰۵ فرضیه در زیرشاخه مربوط به خلأ قدرت در کشورهای همسایه ایران رد شده است و اولویت‌بندی گویه‌ها با توجه به نمودار بالا بدین صورت است که موقعیت جدید کردها در منطقه با میانگین نمره ۳,۴۵ در اولویت اول عوامل

اثرگذار بر تقدّم امنیت بر توسعه در نواحی مرزی استان کردستان قرار گرفته است. در اولویت دوم عوامل تأثیرگذار بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان پدیده تروریسم در نزدیکی نواحی مرزی استان کردستان با میانگین ۳,۲۴ است. در اولویت سوم عوامل تأثیرگذار بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان رقابت قدرت‌های منطقه‌ای با میانگین نمره ۲,۹۲ قرار دارد. در اولویت چهارم عوامل اثرگذار بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان حضور قدرت‌های جهانی در منطقه با میانگین ۲,۷۲ قرار دارد. در اولویت آخر که با توجه به آزمون رد شده و بی‌اثر بوده است خلاً قدرت در کشورهای همسایه ایران یعنی عراق و سوریه بوده است. به‌طوری‌که خلاً قدرت در کشورهای همسایه غربی ایران در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان بی‌اثر است و سایر گویه‌ها اثبات‌شده‌اند (شکل شماره ۴).



شکل شماره ۴. درصد اثرگذاری عوامل ژئواستراتژیک در رویکرد امنیتی نسبت به آمایش نواحی مرزی

شاخص ژئواکونومیک

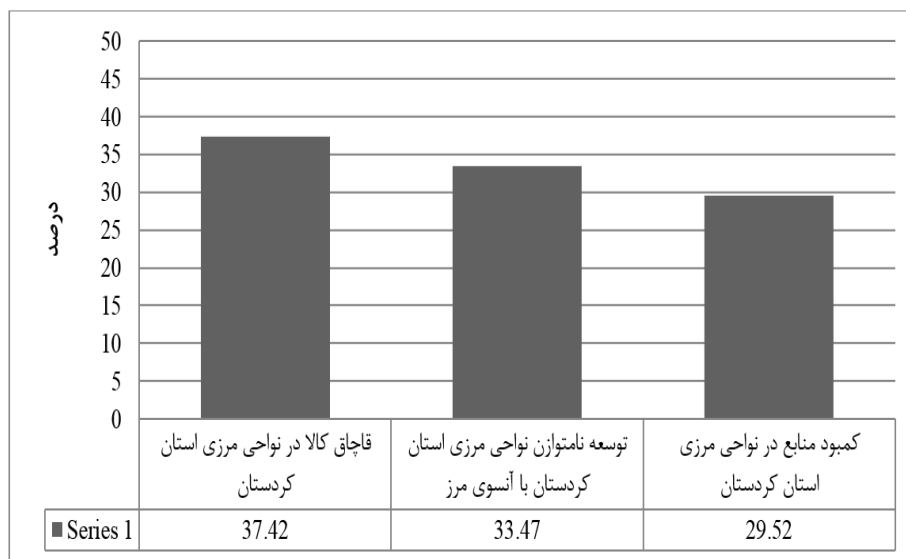
مرز، بیکاری، توسعه نیافتگی و قاچاق کالا معمولاً با هم عجین هستند. پدیده قاچاق باعث ضربه زدن به اقتصاد ملی شده و همچنین ضربات محکمی بر پیکره اقتصاد در مقیاس محلی می‌زند و در تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان اثرگذار بوده است. جدول شماره ۶ محاسبات مربوط به آزمون گویه‌های شاخص ژئواکونومیک را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶. آزمون گویه‌های مربوط به شاخص ژئواکونومیک

آزمون شاخص ژئواکونومیک					
Test Value = 3 (وزن استاندارد)					
اختلاف میانگین	Sig. (2-tailed)	میانگین گویه‌ها	درجه آزادی	ضریب T	ژئواکونومیک
-۱,۳۲۰	۰,۰۰۰	۱,۸۰	۳۸۳	-۳۰,۶۱۱	قاچاق کالا در مرزهای استان کردستان
-۱,۴۰۴	۰,۰۰۰	۱,۶۱	۳۸۳	-۴۲,۷۶۶	توسعه نامتوازن در دو سوی مرزهای استان کردستان با اقلیم کردستان
۰,۶۵۱	۰,۴۲۵	۱,۴۲	۳۸۳	۱۰,۲۴	کمبود منابع در نواحی مرزی استان کردستان

با توجه به آزمون t گرفته‌شده در بخش مربوط به شاخص ژئواکونومی و با توجه به نمرات کسب‌شده و بیشتر بودن sig از

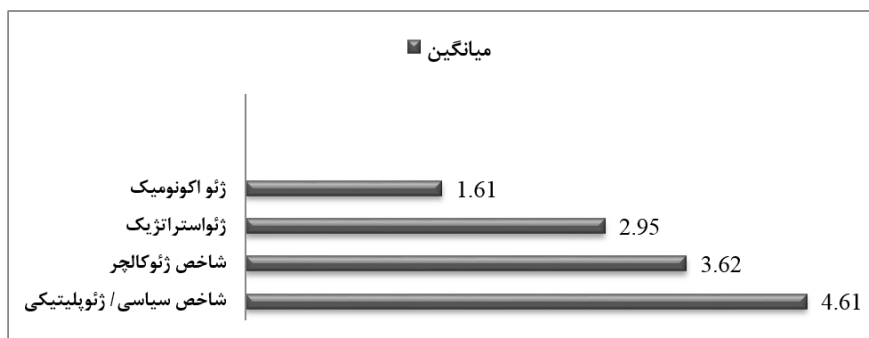
۰,۰۵ فرضیه در زیرشاخه مربوط به کمبود منابع در نواحی مرزی استان کردستان رد شده است؛ به طوری که کمبود منابع در نواحی مرزی استان کردستان در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان بی‌اثر است و در گویه‌های دیگر اثبات شده است و اولویت‌بندی گویه‌ها بدین صورت است که عامل قاچاق کالا در نواحی مرزی استان کردستان با میانگین نمره ۱,۸۰ در اولویت اول اثرگذاری در تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان بوده است. در اولویت دوم عامل عدم توازن توسعه اقتصادی در دو سوی مرز با میانگین نمره ۱,۶۱ قرار گرفته و در اولویت سوم کمبود منابع در نواحی مرزی استان کردستان قرار دارد و با توجه به آزمون در تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان بی‌اثر بوده است (شکل شماره ۵).



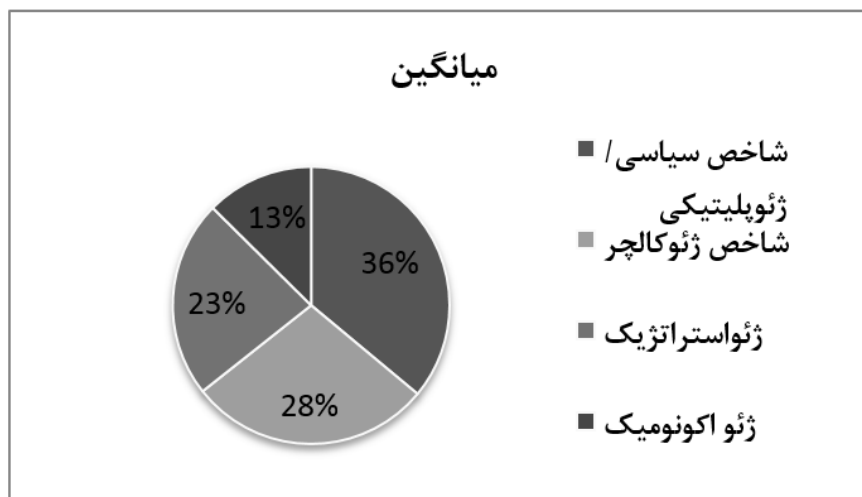
شکل شماره ۵. درصد اثرگذاری عوامل ژئوکالچر در رویکرد امنیتی نسبت به آمایش نواحی مرزی

اولویت‌بندی شاخص‌های اصلی

نتایج تحقیق با توجه به پاسخ‌نامه‌ها نشان می‌دهد که عامل سیاسی - ژئوپلیتیکی با میانگین نمره ۴,۶۱ و درصد اثرگذاری ۳۶ درصد در اولویت نخست اثرگذاری در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان کردستان قرار دارد و سپس در اولویت دوم عامل ژئوکالچری با میانگین نمره ۳,۶۲ و درصد اثرگذاری ۲۸ درصد و در اولویت سوم عامل ژئواستراتژیکی با میانگین نمره ۲,۹۵ و درصد اثرگذاری ۲۳ درصد و سپس در اولویت چهارم عامل ژئوآکونومیکی با میانگین نمره ۱,۶۱ و درصد اثرگذاری ۱۳ درصد قرار گرفته است (شکل شماره ۶ و ۷).



شکل شماره ۶. میانگین نمرات شاخص‌های اصلی



شکل شماره ۷. درصد تأثیرگذاری شاخص‌های اصلی در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان

نتیجه‌گیری

نواحی مرزی یکی از حساس‌ترین نواحی کشور از منظر جغرافیای سیاسی و سازمان‌دهی سیاسی فضای درون کشوری محسوب می‌شوند و ثبات سیاسی و اقتصادی و امنیتی کشور متأثر از وضعیت نواحی مرزی است. اهمیت نواحی مرزی در ایران به علت قرار گرفتن در منطقه حسّاس خاورمیانه و تعدّد همسایگان و همچنین وجود اقوام و مذاهب دارای اهمیتی مضاعف است و عوامل متعدّدی باعث تقدّم امنیت بر توسعه در نواحی مرزی کشور شده است. با توجه به نتایج پژوهش با توجه به آزمون t چهار شاخص اصلی در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی نقش دارند که شامل عوامل سیاسی - ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیک است. در نواحی مرزی استان کردستان به‌عنوان منطقه مورد مطالعه چهار عامل مذکور به ترتیب اهمیت و درجه اثرگذاری شامل عوامل سیاسی - ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری، ژئواستراتژیکی و سپس ژئواکونومیک است. در عامل سیاسی - ژئوپلیتیکی به ترتیب درجه اثرگذاری بر تقدّم امنیت بر توسعه در آمایش نواحی مرزی استان کردستان مؤلفه‌های فعالیت احزاب ضدانقلاب در نواحی مرزی، تاریخ جنبش‌های گردی، شکل بسیط متمرکز حکومت در ایران، عدم به‌کارگیری نخبگان محلی در اداره امور محلی، مشارکت سیاسی پایین در نواحی مرزی استان، و همچنین توسعه‌نیافتگی سیاسی در ایران در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان کردستان نقش‌آفرینی می‌کنند. در عامل ژئوکالچری به ترتیب با توجه به درجه اثرگذاری مؤلفه‌های تفاوت‌های مذهبی و فعالیت گروه‌های مذهبی، زبانی و هویت گردی، عدم مطابقت مرزهای استان با مرزهای قومی - فرهنگی، قومیت‌گرایی در نواحی کردنشین، اثرات جهانی‌شدن بر تشدید قومیت‌گرایی و همچنین آداب‌ورسوم محلی، در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان کردستان نقش‌آفرینی می‌کنند. در عوامل مربوط به ژئواستراتژی مؤلفه‌های وجود تروریسم در نزدیکی مرزهای استان، رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه، حضور نظامی قدرت‌های جهانی در منطقه، خلأ قدرت در کشورهای گردنشین و همچنین موقعیت جدید کردها در سایر کشورهای دارای جمعیت گرد در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی نقش‌آفرینی می‌کنند. در عامل مربوط به ژئواکونومی مؤلفه‌های توسعه نامتوازن در نواحی مرزی استان با آن‌سوی مرز در اقلیم کردستان، قاچاق کالا در نواحی مرزی استان و همچنین کمبود منابع طبیعی در نواحی مرزی در تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به آمایش نواحی مرزی استان نقش‌آفرینی می‌کنند. مجموعه این دلایل باعث تقدّم امنیت بر توسعه نسبت به توسعه و آمایش در نواحی

مرزی استان کردستان شده و توسعه در این نواحی را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به این که تقدّم امنیت بر توسعه همیشه برای کشور هزینه‌بر است، توصیه می‌شود که «درک متقابل امنیت و توسعه» جایگزین تقدّم امنیت بر توسعه صرف شود و آمایش در نواحی مرزی استان کردستان توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی را به همراه داشته باشد و نواحی مرزی استان کردستان به سمت امنیت پایدار سوق داده شود. شناسایی این عوامل راه را برای برنامه‌ریزی در راستای کم‌رنگ کردن عوامل تهدید در نواحی مرزی استان کردستان هموار می‌کند و امنیت پایدار را تضمین می‌کند.

پیشنهادها:

- بهبود و توسعه راه‌های زمینی، هوایی و ریلی استان کردستان با مرکز کشور جهت تبادل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیشتر با بدنه کشور.
- اختصاص تک‌درس در زمینه تدریس زبان کردی در مدارس استان کردستان.
- ایجاد اعتماد بین دولت و نخبگان محلی و کار آسانی دولت برای حضور و فعالیت نخبگان در زمینه‌های مختلف.
- ایجاد مطبوعات و روزنامه جهت تبلیغات فرهنگی در زمینه تاریخ و تمدن ایران و نقش اقوام در آن به‌وسیله نخبگان محلی.
- ایجاد مجلات فرهنگی اجتماعی توسط نخبگان محلی در زمینه اهداف قدرت‌های جهانی برای کسب قدرت و استعمار نوین.
- مدیریت بهتر بازارچه‌های مرزی و جلوگیری از تعلق گرفتن سودهای کلان به عده‌ای محدود.
- انتقال دانشکده‌های دانشگاه کردستان به شهرستان‌های مرزی با توجه به پتانسیل شهرستان مرزی (هر شهرستان یک دانشکده)
- تقویت رادیو و تلویزیون محلی با ایجاد برنامه‌های پرمحتواتر با توجه به فرهنگ بومی ناحیه.
- تقویت سواد سیاسی، قانونی و اجتماعی آخوندهای مساجد در شهرستان‌های مرزی.
- ایجاد ردیف بودجه بیشتر با توجه به اهمیت نواحی مرزی جهت ایجاد شغل و درآمد.
- توسعه نواحی مرزی استان از طریق بهبود زیرساخت‌های عمرانی با تأکید بر روستاها و شهرهای کوچک.
- ایجاد رابطه دیپلماتیک و دوستانه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با اقلیم کردستان عراق.
- استفاده از نمادهای کردی در شهر تهران به‌عنوان سمبل ملی.
- استفاده از نخبگان محلی در مدیریت استان کردستان.
- استفاده از پتانسیل‌های گردشگری نواحی مرزی استان کردستان.
- تمرکززدایی اداری - سیاسی به‌ویژه در مسائل غیر حاکمیتی.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) احمدی، حسن و دادجو، روزبه. (۱۳۹۱). توسعه پایدار مناطق مرزی؛ راهبرد اساسی حفظ امنیت مرزها، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- (۲) احمدی‌پور، زهرا؛ مختاری‌هشی، حسین؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و وزین، نرگس. (۱۳۸۶). بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی - اداری کشور مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸). فصلنامه ژئوپلیتیک، ۳(۱)، ۲۲-۴۹.
- (۳) اخباری، محمد. (۱۳۹۴). تبیین توسعه پایدار سیاسی مطالعه موردی ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۱(۳)، ۳۳-۵۸.
- (۴) افضل‌ی، رسول و مرادی، اسکندر (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان ژئوپلیتیک دولت مدرن در مدیریت سیاسی فضا در ایران. فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، ۱۱(۳۹)، ۱۱۹-۱۰۶.
- (۵) بدیعی، مرجان؛ محمدی، احد و زمانی، عظیم. (۱۳۹۲). بنیادهای هویت سیاسی کردهای ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵، ۱۲۰-۹۵.
- (۶) بشیریه، حسین. (۱۳۸۹). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: انتشارات گام نو.
- (۷) حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد. (۱۳۹۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- (۸) حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- (۹) حیدری، غلامحسین. (۱۳۸۴). ژئوپلیتیک فرهنگی یا ژئوکالچر. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱، ۹۳-۲۴.
- (۱۰) ذکی، یاشار؛ افضل‌ی، رسول؛ مرادی، اسکندر و رنجبری، کمال. (۱۳۹۸). عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان. فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، ۱۷(۶۲)، ۴۱-۶۱.
- (۱۱) رحمتی، منصور و محمدی‌حمیدی، سمیه. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل شاخص‌های توسعه امنیت‌زا در مناطق مرزی (مورد مطالعه: مناطق مرزی غرب کشور). فصلنامه امنیت ملی، ۱۱(۴۰)، ۳۶۰-۳۳۱.
- (۱۲) شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر و گنجی‌پور، محمود. (۱۳۹۳). تحلیل راهبردی مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهرهای مرزی استان کردستان). فصلنامه مطالعات شهری، ۳(۱۱)، ۹۸-۸۵.
- (۱۳) عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۵). ژئواستراتژی، تهران: انتشارات سمت.
- (۱۴) عزتی، نصرالله؛ حیدری‌پور، اسفندیار و اقبالی، ناصر. (۱۳۹۰). نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام برنامه‌ریزی (مطالعه موردی: مناطق مرزی ایران). فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۳(۴)، ۱۹۷-۱۷۹.
- (۱۵) عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف. (۱۳۸۸). توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران. باغ نظر، ۶(۱۲)، ۷۶-۵۷.
- (۱۶) عندلیب، علیرضا. (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- (۱۷) فولر، گراهام. (ژئوپلیتیک ایران: قبله عالم)، ترجمه، مخبر دزفولی عباس، تهران: نشر مرکز.
- (۱۸) قره‌بیگی، مصیب؛ حاجیلو، محمدحسین و مهمان‌پرست نودهی، کسرا. (۱۳۹۹). واکاوی سازمان اقتصادی فضا با بهره‌گیری از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه (بررسی موردی شهرستان‌های مرزی استان کردستان). مجله آمایش و توسعه، ۱(۴)، ۱-۱۰.
- (۱۹) مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی و سیاست‌های جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت.
- (۲۰) مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۹). سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: انتشارات سمت.
- (۲۱) محمدزاده تیتکانلو، حمیده. (۱۳۸۱). تبیین نقش شهرهای متوسط در توسعه فضایی منطقه‌ای مورد پژوهی: شهر بجنورد. رساله دکتری شهرسازی به راهنمایی دکتر اسفندیار زبردست، دانشگاه تهران: دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی.
- (۲۲) میرحیدر، درّه. (۱۳۸۲). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- (۲۳) میرشکاران، یحیی. (۱۳۹۲). الگو یابی سازمان‌دهی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط با تأکید بر ایران. رساله دکتری به راهنمایی دکتر زهرا احمدی‌پور، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیای سیاسی.
- (۲۴) نامی، محمدحسین و حیدری‌پور، اسفندیار. (۱۳۹۱). الگوی جدید برای محاسبه دقیق مساحت و طول مرزهای کشور ج.ا.

- ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۲ (۲)، ۲۴۸-۲۲۹.
- ۲۵) نانکلی کل‌آبادی، مصطفی؛ عباسی‌سمنانی، علیرضا و اسدیان، فریده. (۱۴۰۰). تحلیلی بر اقتصاد غیررسمی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: استان کردستان). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۸ (۶۹)، ۸۰-۶۱.
- ۲۶) واثق، محمود؛ احمدی، عباس؛ طباطبایی، عباس. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان از منظر ژئوپلیتیک. فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، ۱۶ (۵۸)، ۱۴۰-۱۱۵.
- 27) Buchanan, R. (1998). Border Regions, NAFTA, Realatory Restructuring, and the Politics of Place; In *Global Legal Studies Journal*; II, Buchanan
- 28) Chen, Q. Z., Yilong Li, J. L., & Shen, Y. (2018) Theory, Technology and Prospects of Conventional and Unconventional Natural Gas. *Petroleum Exploration and Development*, 45(4), 604-618.
- 29) Filippova, O., & Deineko, O. (2021). The Politics of Identity in Ukrainian Border Regions. In *The Accommodation of Regional and Ethno-cultural Diversity in Ukraine* (pp. 211-236). Palgrave Macmillan, Cham.
- 30) Flint, C. (2016). *Introduction to geopolitics*. Taylor & Francis.
- 31) Hansen, Niles H. (1978). *Border Regions: A Critique of Spatial Theory and in European Case Study, Germany-France-Sweden Land*
- 32) Janparvar, M., Bahrami Jaf, S., Shahbazi, M., & Chatterjee, U. (2021). Control and maintenance of borders due to the expansion of the Kurdish ethnic group on both sides of the Iranian-Iraqi border. *GeoJournal*, 1-17.
- 33) Jones, P., & Wild, T. (1994). Opening the Frontier: Recent Spatial Impacts in the Former Inner-German Border Zone, *Regional Studies*, 28(3), 259-273.
- 34) Parsaei, E., Hafeznia, M. R., Ahmadipour, Z., & Sajjadpour, S. M. K. (2020). Identifying Geopolitical Factors Affecting Foreign Policy. *Journal of Geography and Regional Development*, 17(2), 1-44.
- 35) Taylor, P. (1986). *Respect for Nature* Princeton University Press Princeton.
- 36) Wendt, J. A., Grama, V., Ilieş, G., Mikhaylov, A. S., Borza, S. G., Herman, G. V., & Bógdał-Brzezińska, A. (2021). Transport infrastructure and political factors as determinants of tourism development in the cross-border region of Bihor and Maramureş. A comparative analysis. *Sustainability*, 13(10), 53-85.
- 37) www.amar.org.
- 38) www.amar.org.ir.
- 39) www.ostan-kd.ir.
- 40) www.oxforddictionaries.com.